

بررسی تجربه دانشجویان سه دهه گذشته تاکنون از سیر

تحول مفهوم خانواده ایرانی^۱

ماریا رحیمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳

چکیده

خانواده نهاد مهم جامعه است که دارای وظایف مهمی است و از این رو همواره تغییرات آن مورد توجه محققان بوده است. در علوم اجتماعی بویژه پس از دوران مدرنیته این تحولات با دیدی آسیب‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است اما پژوهش حاضر با دیدی غیر آسیب‌شناسانه در حوزه خانواده انجام گرفته است و تحول خانواده را با لنزی جدید مورد بررسی قرار داده که در آن خبری از مطالعه مقایسه‌ای تغییرات خانواده در ابعاد کارکرد و ساختار آن نیست. بنای این پژوهش بر اساس نگاهی از جنس فرهنگی است که می‌خواهد ببیند به دنبال تحولات مختلف در نهاد خانواده از سه دهه گذشته تاکنون در ایران، تحول فرهنگی «مفهوم خانواده» چگونه بوده است. برای رسیدن به نتایج کاربردی، این مطالعه با رویکرد کیفی و از آن میان به روش تحلیل تماتیک صورت گرفته است و از این رو ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، روش مصاحبه عمیق بوده است، ضمن این که از روش اسنادی و کتابخانه‌ای هم بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر افرادی هستند که در یک برهه از زندگی‌شان و به طور ویژه در دوران جوانی دانشجو بوده‌اند. نمونه‌گیری نظری هم در بین این افراد تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفته است. به این ترتیب دانشجویان که قشر جوان اجتماع به شمار می‌روند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند چرا که این قشر در هر دوره زمانی مهمترین عنصر بازتولیدکننده جامعه بشمار می‌روند و در ضمن در مقایسه با سایر اقشار جامعه، نواحی از خصیصه‌های این قشر است و همیشه در صف مقدم تحولات و نوگرایی هم هستند و همگام با تحولات جامعه نیز زندگی‌شان را سازماندهی می‌کنند. بر این اساس در این مطالعه که چگونگی تحول مفهوم خانواده است و در بین کسانی صورت گرفته است که در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ دانشجو بوده‌اند به این نتیجه دست یافته که پیکربندی خانواده ایرانی در این سه دهه از درون و بیرون دچار تحولاتی شده است. تحولاتی از قبیل شکل‌گیری کانال جدید تعاملات در خانواده، تغییرات کیفی در روابط خانوادگی و... که در نتیجه آنها پوسته‌ای از خانواده ایرانی باقی مانده است. بر اساس این یافته اصلی پژوهش، در سیر تحول مفهوم خانواده «عینیت‌ها» و «ذهنیت‌ها» در مورد خانواده متحول گشته و این تحول از تطابق کامل عینیت‌ها و ذهنیت‌ها تا دو شاخه شدن‌شان را شامل می‌شود و مطابق هم نیستند.

واژه‌های کلیدی: تحول مفهوم خانواده، خانواده ایرانی، روش کیفی، تحلیل تماتیک

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده در مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.
* دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی از دانشگاه
maria.rahimi6@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در خصوص مطالعه و درک تحولات خانواده در دنیای معاصر مناسب است که مدل شش ضلعی تغییر مورد پیشنهاد گی روشه را در نظر آوریم چرا که گی روشه می‌پرسد: چه چیزی تغییر می‌کند؟ آیا این تغییر در عناصر و ساخت‌ها است یا در سطح الگوها و ارزش‌ها هم مطرح است. به واقع این وجه از وجه تغییرشناسی معطوف به موضع تغییرات مطالعه تاریخی و مقایسه‌ای بین خانواده سنتی جوامع پیشین و خانواده در عصر حاضر، نشان می‌دهد، آنچه که تغییر کرده است ساخت خانواده است (زمانیان، ۱۳۸۷: ۴۸). علاوه بر آن تغییر به لایه‌های عمیق‌تر مثل ارزش‌ها، الگوها و روابط متقابل درون خانواده نفوذ پیدا کرده است، به نحوی که خانواده مدرن یا خانواده معاصر، چهره و محتوای متفاوتی با خانواده سنتی یافته است. این تغییر و تحول دست‌کم طی دو قرن اخیر (و در کشورهای مختلف با آهنگ متفاوت) صورت پذیرفته است. تغییراتی بعضاً آرام و کند و در برخی مواقع شتابان و عمیق (زمانیان، ۱۳۸۷: ۴۹). در ایران نیز در طول دو سده اخیر، بتدریج مفهوم خانواده ایرانی نیز در جریان نوسازی و تغییرات همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تغییراتی اساسی یافته است که باید این تحول بزرگ فرهنگی مدنظر کارشناسان حوزه خانواده قرار گیرد و بررسی شود.

باید اعتراف کرد که مطالعات تحول خانواده در ایران در نسبت با تحولات ناشی از مدرنیته به خوبی سنجیده شده است. اما موضوع این است که موجی از تحول‌خواهی در ایران به جریان افتاده است که گریزناپذیر است و افزون بر این، موج تغییرات برآمده از تجددگرایی با دخالت‌های سیاست‌گذارانه نهادهایی مانند دولت و دین در حوزه خانواده همراه شده است. به این ترتیب از طرفی تجددگرایی خانواده ایرانی و از طرف دیگر دخالت نهادهایی مانند دولت و دین در حوزه خانواده، موجب شده است تا بسیاری از کارشناسان، زوال و فروپاشی خانواده ایرانی را اعلام کنند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۵)، در حالی که باید بر تغییرات فرهنگی مفهوم خانواده تأکید داشت تا فروپاشی آن در جامعه؛

و باید کوشید تا با بیان این وضعیت به دفاع روشنی از خانواده و نقد داوری‌های سیاسی و اجتماعی و پاسخ به ابهامات و اتهامات وارد بر آن از قبیل «فروپاشی» و «مرگ زودرس خانواده» پرداخت.

گفتنی است که در این تحولات ذکر شده در ایران، گروه‌های مختلف اجتماعی ضرورتاً سهم و نقش یکسانی ندارند. افزون بر این، میزان تأثیرپذیری مشابهی نیز ندارند. می‌توان از گروه‌های پیشران در این تحولات، از یک‌سو، و گروه‌های اجتماعی در معرض خطر یا متأثر از روند کلی تحولات از سوی دیگر، یاد کرد؛ در بین تمام اقشار جامعه، جوانان به ویژه دانشجویان از این قشر، در مرکز این تحولات قرار دارند. بنابراین، گروه‌های ذی‌نفوذی مانند دانشجویان که خصلتاً پرچمدار نوگرایی در جامعه هستند چه بسا در نسبت با تغییرات نهاد خانواده هم نقش‌آفرینی بیشتری داشته باشند؛ اما ما هنوز بطور کامل زمینه‌های کلیدی اجتماعی‌جمعیتی^۱، زندگی‌نامه‌ای^۲ و تعاملی در تحقیقات مربوط به خانواده در خصوص آنها را درک نکرده‌ایم (Gouveia & Wall, 2014: 345).

بنابراین وقت آن رسیده است که مطالعات خانواده در ایران به سمت بررسی مفهوم‌سازی^۳ قشرهای مختلف جامعه منجمله جوانان، که بازتولیدکنندگان جامعه هستند، از مفهوم خانواده و روابط خانوادگی حرکت کند. با در نظر داشتن مسئله یادشده، هدف اصلی از طراحی این پژوهش کمک به فهم سیر تحول معنای شکل گرفته از خانواده و زندگی خانوادگی است؛ و نکته مورد نظر در این پژوهش در مقایسه با بسیاری از مطالعات و تحقیقات دیگری که در زمینه خانواده به نگارش درآمده است دوری گزیدن از نگاه آسیب‌شناختی نسبت به خانواده است. راهبرد اصلی یا به عبارتی سؤال اصلی در این پژوهش، تعیین این امر است که مفهوم خانواده شامل چه چیزی است و همین‌طور شامل چه چیزی نیست.

-
1. sociodemographic
 2. biographical
 3. conceptualization

در حقیقت در پژوهش حاضر ما نیز به ضرورت مطالعه روابط خانوادگی و الگوهای شکل گرفته از خانواده در طی سه دهه اخیر در ایران رسیده‌ایم و در چارچوب این ضرورت، می‌خواهیم ببینیم تجارب و روابط خانوادگی که در تحولات هویت‌های شخصی و گروهی مهم‌اند و به واقع ارائه دهنده منابع مادی و عاطفی هستند (McKie et al, 2005: 3) در ایران به کجا رسیده‌اند که با توجه به مرکزیت خانواده و زندگی خانوادگی و علاقه ما به مهم شمردن نهاد خانواده، منطقی‌اً انتظار می‌رود مطالعه زندگی خانوادگی و دریافت تلقی ما از معنای خانواده در جامعه مهمترین بخش از تحقیقات مطالعات فرهنگی را تشکیل دهد؛ ناگفته نماند که سرمایه‌گذاری برای شناخت مفهوم و معنای خانواده در اثر تحولات گوناگون در جوامع مختلف بویژه در کشورهای در حال توسعه منجمله در ایران، ارزش مضاعفی دارد، چرا که امروزه با توجه به ارتباط‌های عاطفی در خانواده و منزلت آن، از «خانواده درمانی»^۱ به عنوان روشی برای حل برخی از مسائل سخن به میان می‌آید. بنابراین پژوهش در حوزه معنای تبلور یافته از خانواده که منجر به شکل‌گیری نهاد خانواده با کارکردها و ساختارهای نشأت گرفته از آن معنا در ذهن ایرانیان بویژه قشر جوان و بالاحص در بین دانشجویان بر اثر تحولات گوناگون بویژه تغییرات فرهنگی لازم و ضروری است.

پیشینه تجربی پژوهش

در راستای پژوهش ما مطالعه وال^۲ و گوویا^۳ (۲۰۱۴) قابل ذکر است، این مطالعه که در کشور پرتغال با عنوان «معانی در حال تغییر خانواده در روابط شخصی» انجام گرفته است، در راستای کمک به فهم معنای شکل گرفته از خانواده و زندگی خانوادگی بوده است و در این زمینه فهم مجموعه معانی پیوندها و مناسبات خانواده نقطه مرکزی بوده

-
1. Family therapy
 2. Wall
 3. Gouveia

است و اساس رسیدن به این فهم را بر مبنای بررسی مرزهای در حال تغییر روابط خویشاوندان نزدیک و مجموعه وسیعتری از روابط از قبیل روابط با دوستان، همسایگان، آشنایان^۱، همکاران و... فرد قرار داده‌اند.

فارل^۲، واندویس^۳ و اوکبوک^۴ (۲۰۱۴) در مطالعه خویش با عنوان «تغییر خانواده و وضعیت جامعه‌شناسی خانواده» که در آمریکا انجام داده‌اند، معتقدند که در ایالات متحده و در بیش از ۴۰ سال گذشته تغییرات عمیقی در رفتارهای مربوط به خانواده رخ داده است و این تغییرات زندگی آمریکایی‌ها را متحول کرده است، در ضمن اذعان داشتند که اگر چه نقطه تمرکز آنالیز آنها ایالات متحده بوده است اما بسیاری از این تغییرات منحصر به ایالات متحده نیستند، آن‌ها معتقدند که باید وسعت و تنوع خانواده که در سطح جهانی در حال رخ دادن است را درک کرد. یافته‌های این محققان نشان می‌دهد که بی‌ثباتی زناشویی افزایش یافته و تغییرات در خانه و خانواده و ترکیب‌بندی ناشی از این بی‌ثباتی افزایش یافتند. نقش‌های جنسیتی به طور سنتی تعریف شده، همراه با تقسیم جنسیتی کار خانگی زیر سؤال برده شدند.

ون^۵، لنتز^۶ و هریس^۷ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «فراسوی استعاره "تحولات" روابط خانواده و جوانان در مدرنیته متأخر» می‌نویسند که در مقابل یک ادبیات در حال ظهور در خصوص اهمیت تغییرات شکل‌گیری خانواده در مدرنیته متأخر، مطالعات جوانان در بیش از ۲۰ سال گذشته، اهمیت روابط خانوادگی در زندگی جوانان را مورد غفلت قرار داده‌اند. در این مطالعه با توجه به شواهد تجربی از مطالعه جوانان استرالیایی ۱۵-۱۸ ساله و با در نظر داشتن پیچیدگی تحولات زندگی مدرنیته متأخر، استدلال

-
1. acquaintances
 2. Farrell
 3. VandeVusse
 4. Ocobock
 5. Johanna Wyn
 6. Sarah Lantz
 7. Anita Harris

می‌شود که ماهیت روابط خانوادگی و اهمیت‌شان برای جوانان در حال تغییر است. نکته قابل توجه کار این نویسندگان کمک به ادبیات در حال ظهور در جامعه‌شناسی جوانان است که خانواده را در دستور کار قرار می‌دهد.

عباسی شوازی و مک دونالد (۲۰۰۸) در پژوهشی دیگر با عنوان «تغییرات خانواده در ایران» با تأکید بر نقش مذهب، دولت و انقلاب در این تحولات به این سؤالات که تحول خانواده تا چه حد تحت تأثیر تغییرات ساختاری و یا نیروهای عقیدتی صورت گرفته است؟ کدام عناصر در خانواده بدون تغییر باقی مانده است؟ نویسندگان این پژوهش بر نقش اساسی دولت در افزایش یا محدود کردن تغییرات در حوزه خانواده تأکید نموده‌اند و معتقدند که مرز تغییرات توسط اقتدار مذهبی تعیین می‌شود. غربی‌شدن به عنوان یک نیروی تغییر مطرح است اما تأثیر آن توسط گروه‌های سیاسی که قدرت را در دست دارند محدود شده است. در حقیقت پارادیم مسلط بر تغییر اجتماعی و تحول خانواده در ایران ساختار سیاسی - ایدئولوژیکی می‌باشد که اخلاق آرمانی را مبنای عمل قرار داده است.

محمد مهدی لیبی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نگرشی نوین به تحول ارزشهای خانوادگی در ایران»، سعی کرده است از نگاه آسیب‌شناسانه به کارکرد و ساختار خانواده دوری جوید و بر ارزش‌ها متمرکز شود. به اعتقاد او خانواده ایرانی با گذشت زمان از نظر ساختار و روابط درونی و حتی معنا و مفهومی که در این نوع روابط حاکم است تحولات گسترده‌ای را از سر گذرانده است. او در مطالعه خود به عامل مؤثر در تحولات ارزشی خانواده در ایران با عنوان ضعف تعامل و فضای گفتگو اشاره دارد.

قنبری‌پناه، شریف‌مصطفی و احمد (۲۰۱۳) در مطالعه خود با عنوان «تحلیل ساختاری از پویایی خانواده در چرخه زندگی خانوادگی ایران» به تحلیل ساختار پویایی خانواده در سیستم خانوادگی ایران پرداخته‌اند. تأکید اصلی در این پژوهش بر چهار بُعد

اصلی (انسجام^۱، انعطاف‌پذیری^۲، ارتباطات خانواده^۳ و رضایت‌مندی خانواده^۴) از ساختار پویای خانواده در هر مرحله از چرخه زندگی خانوادگی در بین خانواده‌های ایرانیان است. این مطالعه بر تعاملات بین اعضای خانواده به عنوان یک سیستم تأکید دارد و منظور از سیستم خانواده مجموعه‌ای از نقش‌ها، ساختارها، تعاملات، الگوها، روابط قدرت و مرزها در یک خانواده است. به طور خلاصه باید گفت که این پژوهش در تلاش است تا برخی از سطوح تئوری، تحقیق و عمل در زمینه علم خانواده را با هم ادغام کند.

بر این اساس این مطالعه ماهیت روابط خانوادگی، مناسبات خانوایی و مرزهای در حال تغییر خانواده را به عنوان بخشی از مطالعه خود قرار داده است و در نظر دارد تا تحول وضعیت روابط جنسی در خانواده ایرانی را دریابد. شاید تأثیر روابط اقتصادی بر نهاد خانواده را بارها محققان بی‌شماری مورد بررسی قرار داده باشند، اما این مطالعه می‌خواهد فاکتورهای دیگر که شاید بر تحول خانواده اثر گذار بوده باشند را هم مد نظر قرار دهد. همچنین با نگاهی به دور آسیب‌شناسی خانواده و تحول آن را زیر ذره‌بین قرار دهد. در حقیقت شاید بتوان گفت درون و بیرون خانواده را باید با هم مورد بررسی قرار داد تا به نتایج مفید دست یافت که شاید از دل آن دهها مطالعه دیگر هم صورت پذیرد.

مبانی نظری پژوهش

چشم‌اندازهای مطالعه خانواده

در خصوص مطالعه خانواده می‌توان گفت که دو قرائت متضاد از خانواده وجود دارد؛ یک طرف کسانی هستند که از خانواده سنتی دفاع می‌کنند، یا بهتر است بگوییم حامیان

-
1. cohesion
 2. flexibility
 3. family communication
 4. family satisfaction

«خانواده سنتی»؛ زیرا در حال حاضر اصطلاح خانواده سنتی گونه‌های زیادی از انواع خانواده‌ها را در بر می‌گیرد. آنانی که از خانواده سنتی دفاع می‌کنند به لحاظ سیاسی تمایلات راست دارند. آنان خانواده را در بحران انشعاب و از هم پاشیدگی می‌بینند و این بیش مربوط به زوال خانواده سنتی، بویژه در کشورهای غربی است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۲). در طرف دیگر، لیبرال‌هایی هستند که دیدی کاملاً مخالف دارند. آنان معتقدند آنچه در حال رخ دادن است تکثر انواع شکل‌های خانواده است که با تغییر شکل و زندگی شخصی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. آنان این تکثر را در جامعه مدرن، مفید و لازم می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۳).

تعریف خانواده و ساختار آن

تعریف جورج مرداک^۱ انسان‌شناس از خانواده در بیش از ۵۰ سال گذشته این بوده: "خانواده یک گروه اجتماعی مشخص شده بوسیله اقامت مشترک، همکاری‌های اقتصادی و تولید مثل است، شامل بزرگسالان از دو جنس که حداقل دو نفر از آنها یک رابطه جنسی از نظر اجتماعی تصویب شده را حفظ می‌کنند و یک یا چند بچه، بچه خودشان یا به فرزندگی گرفته شده، دارند" (Georgas, 2003: 4).

اما در تعریف خانواده در عصر حاضر باید گفت، خانواده محصول فرایند بلندمدت تغییراتی است که طی سه قرن اخیر، اتفاق افتاده است. «تغییر» پایان ندارد و «خانواده» همواره در میانه تغییراتی است که دائماً و مستمراً به وقوع می‌پیوندد (زمانیان، ۱۳۸۷: ۶۹)؛ شاید بتوان گفت که قرن بیستم شاهد بزرگترین تحول فاحش در تغییرات تاریخ خانواده در همه فرهنگ‌ها بوده است. از جمله، انواع خانواده در شمال آمریکا و شمال اروپا با افزایش خانواده‌های هسته‌ای و کاهش خانواده‌های گسترده در حال تغییر بوده‌اند، و در طول ۲۰ سال یا بیشتر، با افزایش خانواده‌های ازدواج‌نکرده^۲، خانواده‌های

1. George Murdock
2. unmarried

مطلقه^۱، مادران ازدواج نکرده، و خانواده‌های همجنس‌گرا^۲ همراه بوده است (Georgas, 2003: 3).

به این ترتیب در پایان دهه ۱۹۸۰ فهم ساده‌انگارانه از خانواده به عنوان موجودیت مستقل قابل شناخت عینی بطور روزافزونی تضعیف شده و مسائلی از قبیل عشق و صمیمیت، تأکید بر جنسیت، رفتار احساسی عاطفی، روابط شخصی نزدیک و غیرنزدیک، ماهیت گفتمانی خانواده، ارتباط و گفتگوی روزمره، فرایند تعاملی خانواده و اعضای آن، تعهدات قوم و خویش و مواردی از این دست در حوزه تعریف خانواده جای گرفتند و تمرکز بحث مطالعات خانواده از بررسی صرف ساختارها و کارکردهای خانواده به بررسی مسائلی از قبیل تحول معنا و مفهوم خانواده در جامعه تغییر یافته است (Gillies, 2003: 2).

درک تغییرات اجتماعی خانواده

در دهه‌های اخیر محققان خانواده در مطالعات‌شان با این سئوالات درگیرند که چه بر سر خانواده آمده است؟ چه تحولاتی عمده‌ای در حال وقوع است؟ (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۲۳). برای رسیدن به پاسخ این ابهامات و بنا به تحولات درونی و برونی در خانواده معاصر در مطالعات تجربی می‌بایست به ابعاد زیر توجه داشت، چنانچه که محققان پژوهش حاضر روی آن تمرکز خاص داشته‌اند:

-
1. divorced
 2. homosexual

جدول ۱- ویژگی‌های سطوح تحلیلی مربوط به خانواده

ویژگی‌ها	سطح تعامل	سطح ارتباط
تجزیه و تحلیل فعل و انفعالات بین زن و شوهر، خواهر و برادر و بین والدین و فرزندان	تحلیل کیفیت پیوندها بین زن و شوهر، خواهر و برادر و نسل‌ها	
حوزه‌ای از پژوهش	روال روزمره، توالی موقعیت‌های معمول	تحولات خانواده، آداب و رسوم، فرایندهای دگرگونی هویت
زمان‌بندی	حال حاضر	ارتباط بین حال، گذشته و آینده

(Scabini et al, 2007:10)

در بحث ارتباط و تعامل در خانواده و مطالعه تغییر روابط در خانواده باید بگوییم که گیدنز معتقد است، روابط نزدیک بین اعضاء خانواده در دنیای امروز نیز تحول پیدا کرده است. نظم هنجاری^۱ که در ازدواج حالتی تحمیلی پیدا می‌کرد و بصورت یک نظم با ثبات و با دوام در طول زندگی ادامه می‌یافت اینک حاکمیت خود را از دست داده و افراد به عنوان شخصیت‌های مستقل برای خود این حق را قائلند که در مورد مسائل و موضوعات خانواده اظهار نظر کنند، پس گفتگو و مذاکره روشی منطقی برای تصمیم‌گیری در این زمینه است که هر یک از اعضاء خانواده چه رابطه‌ای با دیگری داشته باشد و کیفیت این رابطه چگونه باشد و تا چه زمانی دو طرف حاضرند این نوع رابطه را ادامه دهند؟ این موضوع تنها منحصر به رابطه زن و شوهر نیست بلکه رابطه فرزندان با والدین‌شان را نیز شامل می‌شود بطوری‌که اقتدار پدری و حاکمیت مطلق او بر خانواده اینک به گفتگوی بین والدین و فرزندان تبدیل شده و آنها دیگر خود را در موقعیت نازل‌تری نسبت به والدین خویش نمی‌دانند (ریبنز مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۴۸۳).

1. Normative Order

چارچوب مفهومی پژوهش

در مجموع همان‌طور که از مطالعه پیشینه تجربی تحقیق برمی‌آید، اهمیت دادن به مطالعه نهاد خانواده با دیدی غیرآسیب‌شناسانه دارای اهمیت شده است و محققان سعی می‌کنند به سمت و سویی از بررسی این نهاد حرکت کنند که بتوانند تحولات آن را به گونه‌ای آنالیز کرده و به گونه‌ای راهکار ارائه دهند که سامان جامعه بر اثر این تغییرات به هم نریزد. یعنی نهاد خانواده به سمت زوال حرکت نکند و در عوض با ارائه نتایج کاربردی و مفید، این نهاد بتواند با انعطاف‌پذیری لازم دوام خود را در میان این تغییرات تضمین کند. در نسبت با مطالعات انجام گرفته ما می‌خواهیم با مطالعه‌ای مقایسه‌ای در پژوهش حاضر، ابعاد ساختاری و کارکردی تحولات خانواده ایرانی را از سه دهه گذشته تاکنون مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم چه ذهنیتی بر اثر این تحولات در دهه‌های مختلف شکل گرفته است. بر این اساس ما برخی مفاهیم حساس را از مطالعه پیشینه تجربی پژوهش گرفته‌ایم از جمله مفاهیمی چون ارزش‌های خانوادگی، بُعد خانواده، مفهوم خانواده و... در حقیقت به جهت این که روش تحقیق ما کیفی است، می‌بایست مفاهیم حساس نظری را هم از مطالعات تجربی و تئوری انجام گرفته برگزینیم. در این خصوص مفاهیمی مانند: تعاملات در خانواده، ارتباطات در خانواده، تعریف خانواده و... که در مبانی نظری آمده‌اند نیز راهنمای پژوهشگر در انجام پژوهش بودند.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از رویکرد کیفی و از روش تحلیل تماتیک برای انجام تحقیق بهره گرفته‌ایم. میدان مطالعه این بررسی افرادی هستند که در سنین جوانی دانشجوی بوده‌اند. به این ترتیب چارچوب نمونه‌گیری مورد نظر برای پژوهش حاضر، دانشجویان هستند و چون در نظر داشتیم سیر تحول مفهوم خانواده در ذهنیت دانشجوی ایرانی در سه دهه گذشته را دریابیم، برای درک صحیح این سیر، دانشجویان در بازه زمانی دهه‌های ۶۰ تا

۹۰ را به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار دادیم. در این مطالعه نمونه‌گیری هدفمند مورد استفاده بود که با نمونه‌گیری نظری هم ترکیب شد. نمونه‌گیری نظری هم در سیر پژوهش و بر اساس مفاهیم تکمیل می‌شود. به عبارتی دیگر، از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است.

در جریان کار از روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۱ یا نمونه‌گیری زنجیره‌ای^۲ که هدفمند است استفاده کردیم، شاید در نگاه اول گفته شود که این نوع نمونه‌گیری برای جمعیت‌های پنهان است، اما باید گفت که ما در این پژوهش با جمعیت پنهان مواجه نبودیم، اما از آنجایی که دسترسی به اطلاعات شخصی دانشجویان شاغل به تحصیل در سیستم آرشو دانشگاهی ایران بویژه در آرشو دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با مشکل مواجه بود، چرا که بسیاری از اطلاعات شخصی از جمله شماره تلفن و آدرس بسیاری از آنها تغییر کرده بود و بنابراین یافتن آنها و مصاحبه با آنها از این طریق کاری غیر ممکن بود؛ به همین علت ما از نمونه‌های آشنا که دارای ویژگی‌های یادشده بوده کار را شروع کردیم و فرد مصاحبه‌شونده هم، هم‌دوره دیگر خود را به محققان معرفی می‌کرد. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری^۳ در مورد تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد که در این پژوهش ۳۵ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. گفتنی است که چون دانشجویان در این پژوهش به عنوان قشر جوان مورد نظر بوده‌اند، مشخصاً افرادی برای مصاحبه انتخاب می‌شدند که در دهه‌های یادشده در هر مقطعی که بوده‌اند در سنین جوانی بوده باشند. به عنوان مثال فرد می‌بایست در دوران دانشجویی خود در هر دهه‌ای که بوده است زیر ۴۰ سال بوده باشد.

-
1. snowball sampling
 2. Chain sampling
 3. theoretical saturation

در این مطالعه از تکنیک مصاحبه عمیق در راستای گردآوری داده‌ها مطابق با اهداف و پرسش‌های مورد نظر استفاده شده و از تحلیل تماتیک به عنوان تکنیک تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. به لحاظ اینکه هدف دریافت ذهنیت فرد از مفهوم خانواده بوده است، در ابتدای مصاحبه این سؤال مطرح می‌شد که اولین جرعه ذهنی شما از تعریف خانواده چیست. از آنها پرسیده می‌شد، دوران دانشجویی خود را در مقطع کارشناسی به یاد بیاورید و بگویید در آن زمان وقتی به خانواده فکر می‌کردید، چه چیزی به ذهنتان می‌رسید و چه تعریف یا معنایی برای شما داشت؟ سپس بر محور مفاهیم حساس برگرفته از مبانی مفهومی پژوهش، سئوالات مرتبط بعدی مطرح می‌شدند.

هر مصاحبه به طور میانگین بیش از ۲ ساعت به طول می‌انجامید و حتی برخی از آنها تا ۴ ساعت هم زمان می‌برد. به همین علت محقق در زمان هماهنگی برای انجام مصاحبه، به مصاحبه‌شونده تأکید می‌کرد که یک زمانی را برای انجام مصاحبه اختصاص دهند که درگیر کار دیگر نباشند و وقت‌شان را به محقق اختصاص دهند و مصاحبه‌ها هم اغلب در محل کار یا در پارک‌ها و برخی هم در منزل شخصی‌شان صورت گرفتند. همین هم روند انجام مصاحبه‌ها و پیشرفت کار را طولانی می‌کرد چرا که سوژه‌ها برای اختصاص این وقت برای مصاحبه، نیاز به هماهنگی‌های بسیار در زندگی کاری و شخصی‌شان داشتند که نیازمند صبوری محقق این پروژه بود. محقق می‌بایست به مورد انتخاب شده اجازه داستان‌گویی می‌داد تا بتواند به ذهنیت‌های پیشین آنها دست یابد و یک سیر تحول مفهوم خانواده را ترسیم کند. گفتنی است که ملاحظات اخلاقی پژوهش مانند بحث رازداری، آزادی عمل برای شرکت در مصاحبه هم برای محقق از اهمیت بسیاری برخوردار بود و در کل مراحل گردآوری داده‌ها رعایت شده است.

داده‌های حاصله نیز با استفاده از کدگذاری باز صورت گرفته است که از طریق آن فرایند تعیین مفاهیم و مقوله‌ها/ تم‌ها اتفاق می‌افتد، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در خصوص کدگذاری و پیدا کردن مقولات، هم از مفاهیم حساس نظری و هم از کدهای

جینی بهره گرفته‌ایم. در ابتدای تحلیل، کدهای فراوانی به دست آمد که در مسیر کدگذاری با مرتبط کردن یا بهتر است بگوییم با ادغام کردن موارد مشابه به تعداد کدهای کمتر با جامعیت بیشتری رسیدیم.

در بخش قابلیت اطمینان و اعتبار پژوهش، محقق با این سؤال مواجه می‌شود که بر ساخته‌های خاص محقق تا چه حد به لحاظ تجربی بر پایه ساخته‌های اعضای جامعه یا گروه مورد مطالعه مبتنی است (فلیک، ۱۳۹۰: ۴۱۴). بر این اساس محقق در مطالعه حاضر، عمدتاً از طریق روش اعتبار عضو سعی کرده است تا از معتبر بودن داده‌ها اطمینان حاصل کند. به عبارت ساده‌تر برای ارزیابی اعتبار کلی پژوهش محقق از این روش استفاده کرده است. یعنی چک کردن اطلاعات حاصل از پژوهش بوسیله خود افراد مورد مطالعه. این روند از آغاز تا پایان مطالعه حفظ شده است و حتی بعد از اتمام فرایند تحلیل داده‌ها و تولید مدل مفهومی نهایی تحقیق، عمده‌ترین نتایج و تحلیل‌های انجام شده را به افراد مورد مصاحبه پژوهش برای ارزیابی ارجاع داده شده و به این ترتیب بر اساس ملاک اعتمادپذیری، داده‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده مورد تأیید افراد درگیر قرار گرفتند.

از طرف دیگر از آنجایی که در رویکرد کیفی و در همه روش‌هایش از جمله در تحلیل تماتیک می‌بایست مرتب در زمان گردآوری و تحلیل داده‌ها به عقب بازگشت و کل کار را مورد بررسی قرار داد، محقق برای سنجش روایی این مطالعه از به‌هم‌پیوستگی در روش که به نوعی رویکرد کل‌نگر هست، استفاده مطلوب داشته است. یعنی مدام چک می‌کرده است تا بینید بر اساس اصول مطرح شده و بر مبنای اهداف پژوهش، اطلاعات گردآوری شده‌اند یا نه. به عبارتی به انسجام ساختاری پژوهش برای دستیابی به روایی بالا نظر داشته است. این همان روایی در تحقیق کیفی با هدف تبیین است. در شرح بیشتر باید گفت چون پژوهشگر در این مطالعه به توصیف پدیده، معانی منحصر به فرد در موقعیت‌های ویژه نظر داشته است، روی این شیوه تمرکز کرده است. به این ترتیب پژوهشگر یک وضعیت چرخشی داشته است و مدام به عقب و به کل

فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها نظر داشته تا اقدامات اصلاحی مورد نیاز انجام شود و دقت در پژوهش بالا رود. در حقیقت خلاقیت، حساسیت و انعطاف‌پذیری سرلوحه کار پژوهشگر در مسیر انجام پژوهش بود تا بتواند روایی پژوهش را بالا ببرد. به این ترتیب سعی شده است تا کفایت زمینه‌ای حفظ شود که این کفایت حاصل ارتباط مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها است.

یافته‌های پژوهش

از تعداد ۳۵ نفر که مورد بررسی قرار گرفته، ۱۹ نفر مرد و ۱۶ نفر زن، ۲۵ نفر متأهل، ۳ نفر مطلقه و ۷ نفر هم مجرد بودند. از نظر مقطع تحصیلی هم این نمونه شامل کارشناسی تا دکتری بودند. میانگین سنی افراد مورد بررسی ۴۰ سال بوده است. ۱۳ نفر از این تعداد در مقطع کارشناسی بوده، ۱۳ نفر کارشناسی ارشد و ۹ نفر هم در مقطع دکتری که در دهه‌های مورد مطالعه در سنین جوانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. در این مطالعه بنا به اهمیت رسیدن به درک و ذهنیت دانشجویان از مفهوم خانواده و بررسی سیر تحول آن، در ابتدای مصاحبه را با این سؤال کلی آغاز کردیم که شما با شنیدن مفهوم خانواده «چه تعریفی در ذهن تان از خانواده نقش می‌بندد؟». هدف ما از طرح این سؤال دریافت اولین جرقه ذهنی فرد از تعریف خانواده بود. به دنبال آن بر مبنای سؤالات پژوهشی طراحی شده بر اساس مفاهیم حساس نظری انتخاب شده و همین‌طور بر مبنای سؤالات ایجاد شده از متن پاسخ صحبت‌های افراد به سؤال بالا، کار مصاحبه را ادامه دادیم.

لازم به ذکر است که در بررسی مصاحبه‌شونده‌های هر دهه ما بیش از ۷۰ مفهوم و بیش از ۱۵ مقوله فرعی داشته‌ایم که سعی کردیم تا در قالب ۶ مقوله اصلی آنها را سامان داده و به این ترتیب کار تحلیل را شکل داده‌ایم.

تعریف خانواده ایرانی

در همه توصیف‌های فرد مورد مصاحبه از خانواده، در ابتدای تعریف خانواده از حضور زن و مرد و فرزند یا فرزندان آنها صحبت می‌شد که با هم زندگی می‌کنند و از سوی فرد به عنوان ارکان اصلی در تعریف یک خانواده از آنها یاد می‌شود و گفتنی است که بیان این ویژگی برای تعریف خانواده یکی از اصلی‌ترین خصوصیات تعریف خانواده از دیدگاه ویلیام گود (۲۰۰۸)، موردک (۲۰۰۳) و سایرین نیز هست. به این ترتیب در این مطالعه ما با مقولات فرعی اعضای خانواده، فضای خانواده و اهداف خانواده مواجه هستیم که به عنوان مقوله اصلی تعریف اولیه خانواده طبقه‌بندی شده است. در بین همه مصاحبه‌شونده‌هایی که در دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ دانشجو بوده‌اند به مواردی چون وجود زن و مرد به عنوان ارکان اساسی در تعریف خانواده اشاره شد که البته در قالب «ازدواج شرعی و قانونی» با هم زندگی کنند.

.... زمانی که من و همسن و سالان من جوان بودیم هر وقت که بحث ازدواج می‌شد، ما فقط به رابطه عاطفی و زندگی با فرد دیگر در چارچوب شرعی ازدواج آن هم از نوع دائم فکر می‌کردیم... (آقای ف.ق. ۵۵ ساله، متأهل)

... به اعتقاد من خانواده در ابتدا با وجود زن و مرد و ازدواج شرعی بین آنها شکل می‌گیرد... (آقای الف. الف. ۳۷ ساله، متأهل)

بنابراین در ایران از سه دهه گذشته تاکنون بر مبنای اعتقادات مذهبی، روابط زن و مرد بر اساس چارچوبی خاص که پایه در «مذهب» دارد تعریف می‌شود و بنا به نظر همه مصاحبه‌شونده‌ها، روابط زن و مرد در قالبی غیر از این، به عنوان خانواده تعریفی ندارند.

ما در جریان تحلیل داده‌ها به شکل‌گیری روابط زن و مرد با عنوان «ازدواج سفید» رسیدیم. جالب است که همه مصاحبه‌شونده‌ها با اصطلاح ازدواج سفید آشنا بودند اما هیچ‌کدام از آنها روابط دختر و پسر یا روابط زن و مرد را در این چارچوب به عنوان خانواده تلقی نکردند و آن را شیوع درکی ناقص از فرهنگ غیرایرانی در جامعه دانستند،

چرا که نه برای خانواده خود یک چنین تعریفی را ارائه دادند و نه برای افرادی از اطرافیان‌شان یک چنین رابطه‌ای را به عنوان خانواده تلقی کردند و به شدت هم با آن مخالفت کردند اما در عین حال به شکل‌گیری این پدیده در اجتماع، بویژه در کلان‌شهرها، اعتراف کردند. شاید بتوان گفت در مجموع این یافته‌های نشانی از سیر تحول چگونگی با هم بودن زن و مرد از سه دهه گذشته تاکنون در ایران بوده است که بی‌ارتباط با تحول تعریف خانواده در جامعه نیست.

شاید بهتر است بگوییم که به طور «رسمی» با هم بودن زن و مرد به عنوان یک خانواده، فقط در قالب مذهبی و عقد شرعی تعریف دارد، اما کانال «غیررسمی» ارتباط زن و مرد هم در جامعه شکل گرفته است و حتی افرادی که نه خودشان و نه اطرافیان‌شان روابط این‌چنینی را تجربه نکرده بودند، اما رواج این کانال غیررسمی زندگی زن و مرد که در جامعه از آن با عنوان ازدواج سفید یاد می‌شود، را اشاره کردند و آن را منحصرأ مربوط به تحولات فرهنگی و اجتماعی چند دهه اخیر بویژه تحولات اواخر دهه ۷۰ به این سو دانستند که با تحولات اجتماعی و فرهنگی از قبیل ورود تلفن همراه و اینترنت به جامعه و همین‌طور تحولات مختلف سیاسی از قبیل ترویج آزادی بیان و مثل کشورهای پیشرفته شدن و امثالهم همراه بود که شاید از سوی خود زوج تعریفی نزدیک به خانواده داشته باشند، اما هنوز در جامعه و از سوی اطرافیان به عنوان خانواده شناخته نمی‌شوند، اما بنا بر نتایج این مطالعه می‌توان مدعی شد که این تغییرات فرهنگی ارکان «تشکیل دادن» خانواده از سوی جوانان را در جامعه ایران از سه دهه گذشته تاکنون دچار بحرانی اساسی کرده است.

.... زمانی که من و همسن و سالان من جوان بودیم هر وقت که بحث ازدواج می‌شد، ما فقط به رابطه عاطفی و زندگی با فرد دیگر در چارچوب شرعی ازدواج آن هم از نوع دائم فکر می‌کردیم... (آقای ف.ق. ۵۵ ساله، متأهل)

... من دانشجویی دارم که چند جلسه غیبت داشت و قاعدتاً از آزمون پایان‌ترم محروم می‌شد... برای توجیه غیبت‌هایش به طور خصوصی بعد از کلاس با من

صحبت کرد و گفت همسرم بیمار بوده و نتوانسته‌ام کلاس بیایم... پرسیدم مادری، خواهری کسی نبود که مراقب همسرت باشد تا تو به کلاست برسی؟... گفت خانواده‌های ما از با هم بودن ما اطلاع ندارند ولی ما یک سالی است با هم زندگی می‌کنیم... اگر به توافق نهایی رسیدیم ازدواج می‌کنیم. و به خانواده‌مان رسمیت می‌بخشیم. (خانم م. ر. ۴۵ ساله، متأهل، دانشجوی اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰).

نابرابری بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی: تحول در مسئولیت‌پذیری در خانواده ایرانی

در ادامه بحث از چگونگی با هم بودن زن و مرد که تداعی‌کننده مفهوم خانواده است و بواسطه ازدواج بین آنها تعریف می‌شود، برای بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها «شکل‌گیری مسئولیت» برای زن و مرد بواسطه این ارتباط در تعریف اولیه از خانواده دیده می‌شود. یعنی همه مصاحبه‌شونده‌ها به وجود مسئولیت و وظیفه برای زن و شوهر در خانواده به دنبال ازدواج آنها اشاره کردند اما در عین حال اذعان کردند که برداشت ما از فرهنگ غیرایرانی - که برخی از افراد مورد مصاحبه با عنوان فرهنگ غربی از آن یاد می‌کردند - در مورد خانواده اشتباه بوده است و یک «تصور غلط» از مسئولیت‌پذیری در جوامع پیشرفته غربی در ذهن زوج ایرانی نقش بست؛ مثلاً به کرات گفته شد که در جوامع غربی پسر و دختر پیش از ازدواج مدتی را با هم هستند و در صورتی که با هم به توافق برسند ازدواج‌شان را رسمی می‌کنند؛ این ایده که مطابق فرهنگ غیرایرانی است در جامعه ایران به دنبال تحولات اجتماعی و فرهنگی رسوخ کرد و متأسفانه با بی‌مسئولیتی در خانواده ایرانی همراه شده است که در نتیجه پسر و دختر بدون ازدواج شرعی و قانونی با هم زندگی می‌کنند، که در حال حاضر، همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، با عنوان ازدواج سفید از آن یاد می‌شود و اغلب هم پیوندی مداوم بین آنها برقرار نمی‌شود و نتیجه کار ایجاد بی‌مسئولیتی برای جوانان ایرانی است.

.... یکی از دوستان نزدیک من در دوران دانشجویی با یکی زندگی مشترک

بدون ازدواج داشتند می‌گفت تا زمانی که با هم هستیم کارهای مان به هم مربوط

است و به محض جدا شدن هر کی میره دنبال کار خودش... حتی خود افراد درگیر این نوع زندگی هم نوع زندگی شان را خانواده تلقی نمی‌کنند... (آقای ف. ج، ۳۷ ساله، مجرد، دانشجوی دهه ۸۰)

شاید بتوان «فرار از تشکیل خانواده» را نتیجه قطعی این ایجاد بی‌مسئولیتی دانست. البته نباید از سرخوردگی و «شکست‌های احساسی» نشأت گرفته از این جدایی برای طرفین و بدتر از آن «فرزند یا فرزندان نامشروع» حاصل از این رابطه غافل ماند. بنا به نتیجه به دست آمده در گذشته نه چندان دور ایران، یعنی در سه دهه گذشته یک چنین فرهنگی در خصوص ارتباط پسر و دختر با هم، تعریفی نداشت و همان‌طور که پیش‌تر در این مورد اشاره کردیم، یکی از دلایل آن تضعیف باورداشت‌های مذهبی در این مورد بوده است. البته بنا به تحلیل گفته‌های اکثر مصاحبه‌شونده‌ها، عقب ماندن بلوغ اقتصادی از بلوغ جنسی در جامعه، تحول در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان و در نتیجه افزایش آزادی و استقلال آنها در همه ابعاد زندگی شان از جمله در انتخاب همسر و ازدواج و به دنبال آن مسئولیت‌پذیری و همین‌طور تحول در وسایل ارتباط جمعی که سهولت در دستیابی به آداب و رسوم فرهنگ‌های دیگر را به دنبال خود داشته‌اند و به نوعی در اشاعه فرهنگ و فرهنگ‌های غیرایرانی در جامعه سهم بسزایی داشته‌اند، هم در ایجاد این جو در بحث مسئولیت‌پذیری تأثیرگذار بوده‌اند.

روش‌های رفع نیازهای جنسی: تحولی در سنت‌ها و ارزش‌های ایرانی

بنا به نتایج این پژوهش، به دنبال تحول در باورداشت‌ها در مورد چگونگی با هم بودن زن و مرد و مسئولیت‌پذیری یا عدم مسئولیت‌پذیری آنها، شاهد تحولاتی در بحث «مسائل جنسی» در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون بوده‌ایم و به نوعی شاید بتوان گفت یک نتیجه منطقی است که در جامعه و در خانواده ایرانی شکل گرفته است که در نتیجه آن «رفع نیازهای جنسی» صرفاً در خانواده ممکن است انجام نگیرد و کانال‌هایی دیگر برای ارضا جنسی مد نظر قرار گیرند.

این تحول در «وجود کانال‌های دیگر برای رفع نیاز جنسی» به مرور زمان و به دنبال تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران از سه دهه گذشته تاکنون در خانواده ایرانی شکل گرفته است و همان‌طور که گفتیم، به وجود آمدن این کانال‌های جدید رفع نیاز جنسی، ادامه زنجیرواره شکل‌گیری بی‌مسئولیتی بویژه در بین جوانان ایرانی برای تشکیل خانواده در پی مسائل پیش گفته است و شاید هم بتوان بنا به نظر اکثر مصاحبه‌شونده‌ها از «تنوع‌طلبی جنسی» در بین خانواده‌های ایرانی به عنوان علت به وجود آمدن این روش‌های نوین رفع نیازهای جنسی نام برد که خود حاصل تحولات فرهنگی در خانواده است که از آن جمله می‌توان به ورود ماهواره و اینترنت به فضای خانواده اشاره کرد. نکته‌ای که در بحث تنوع‌طلبی جنسی در بین مصاحبه‌شونده‌های دهه‌های مختلف دیده شد آن بود که به مرور زمان از سه دهه گذشته تاکنون این تنوع‌طلبی جنسی دامن افراد متأهل حتی در سنین بالا را هم گرفته است.

... من می‌شناسم افرادی را که با وجود داشتن زن و بچه و با اینکه سن و سالی از آنها گذشته اما با دختران جوان و یا با زنان بیوه چه در قالب ازدواج موقت و چه در قالب غیر از این رابطه جنسی داشته‌اند... چشم و گوش زن و شوهر بویژه مردان باز شده... با وجود ماهواره و اینترنت و غیره و دیدن کیسی بهتر از همسرشان و مقایسه کردن همسرشان با آن مورد و در نتیجه یافتن کاستی‌هایی در همسرشان به دنبال آن مورد در جهان واقعی می‌گردند... (آقای ف. ش. ۳۳ ساله، متأهل)

... مشکل رفع نیاز جنسی از طریق غیر از چارچوب خانواده به یک معضل در جامعه ایران تبدیل شده است؛ در بین فامیل و آشناها چندین نفر از جوانانی که در سن ازدواج هستند و یا از سن ازدواج‌شان گذشته است اما وقتی از ازدواج و مسائل جنسی با آنها صحبت می‌کنم، مستقیم یا غیرمستقیم عنوان می‌کنند که نیاز به ازدواج برای رفع نیاز جنسی نیست... هر زمان بخواهیم و اراده کنیم در جامعه به طرق مختلف این نیاز را برطرف می‌کنیم و مسئولیتی هم برای ما شکل نمی‌گیرد... البته این رفتار بنا به محدودیت‌هایی که در خصوص باکره ماندن دختر قبل از ازدواج در خانواده ایرانی وجود دارد، بیشتر در بین مردان رایج است... (خانم ع.م. ۴۴ ساله، متأهل)

این تحول در نوع مسئولیت‌پذیری در خانواده ایرانی و همین‌طور تحول در چگونگی رفع نیازهای جنسی زن و مرد و همگام با آن بحث تنوع‌طلبی جنسی آنها بر «تحول ساختار خانواده ایرانی» از سه دهه گذشته تاکنون تأثیرگذار بوده است. بنا به تحلیل صحبت‌های مصاحبه‌شونده‌ها به دنبال به وجود آمدن این موارد تازه در چارچوب خانواده، ازدواج و تشکیل خانواده در وضعیت بحرانی قرار گرفته است و اگر هم خانواده‌ای شکل می‌گیرد بنا به بی‌مسئولیتی‌های به وجود آمده و بنا به تنوع‌طلبی جنسی شکل گرفته اکثراً به طلاق‌هایی از جنس «طلاق عاطفی» و یا «طلاق واقعی» ختم می‌شوند.

ساختار خانواده: چگونگی تحول بعد خانواده ایرانی

این مسائل گفته شده بر بعدی دیگر از ساختار خانواده تأثیرگذار بوده است؛ منظور از این بُعد، «بُعد خانوار» است. در توضیح کامل‌تر این ادعا بنا به نظر اکثر مصاحبه‌شونده‌ها باید گفت که وقتی زن و شوهر از نظر عاطفی با هم کنار نیایند، یقیناً تمایلی به ادامه زندگی نخواهند داشت و در این بین زوجین بچه‌دار شدن را منوط به اطمینان از ادامه مسیر زندگی با همسرشان می‌دانند. در ادامه باید متذکر شد که نباید از تحولات اقتصادی ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون که سیر منفی داشته است غافل ماند. چرا که بنا به نظر اکثر مصاحبه‌شونده‌ها شرایط نامساعد اقتصادی بر فرزنددار شدن زوجین در خانواده ایرانی تأثیرگذار بوده است و امروزه زوجین یا بچه‌دار نمی‌شوند و یا به داشتن یک فرزند اکتفا می‌کنند.

... من خودم با وجود اینکه به تک فرزندی انتقاد دارم اما خودم یک فرزند دارم و علتش هم هزینه‌های بالای بچه‌دار شدن و بزرگ کردن بچه است... با این اوضاع آدم از آینده مطمئن نیست که برای آن برنامه‌ای خاص داشته باشی... (آقای الف).
الف. ۳۷ ساله، متأهل، دانشجوی دهه ۷۰ و ۸۰).

به این ترتیب در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون شاهد به وجود آمدن «خانواده‌های بدون فرزند» و همین‌طور شکل‌گیری «خانواده‌های تک‌فرزند» هستیم که بنا به نظریات اندیشمندان جامعه‌شناس، از قبیل بوردیو (۲۰۰۸) در بحث بازتولید شدن خانواده و در نهایت بازتولید شدن جامعه، کشور ایران قطعاً در سال‌های آتی با مشکل مواجه خواهد شد و یک جمعیتی پیر را شامل می‌شود که نه توان تولید مثل دارند و نه توان تولید اقتصادی و اجتماعی و این یقیناً همان زنگ خطری است که چند سالی است توسط مسئولین امر به صدا درآمده است. در حقیقت باروری و فرزندآوری نه فقط در ایران بلکه در سراسر دنیا به عنوان عامل منحصر به فرد افزایش جمعیت در سطح جهانی از اهمیت برخوردار است (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). در خصوص تحول بُعد خانوار در ایران، بنا به تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته این بُعد از نظر دیگر هم کاهش یافته است و خانواده ایرانی «کوچک‌تر» شده است. منظور از این بُعد حذف زندگی زن و شوهر با والدین یکی از آنها است.

... من تا چند سال بعد از ازدوایم با خانواده همسرم زندگی می‌کردم و البته خواهرم بیشتر از من با خانواده شوهرش زندگی کرد و مادر همسرش تا زمانی که فوت کرد با آنها زندگی می‌کرد... البته زمان ما خیلی رسم نبود که زوج جوان از همان ابتدا زندگی مستقلی داشته باشند (خانم ن.ر. ۵۰ ساله، متأهل، دانشجوی دهه ۶۰).

... من برای ازدواج اصلاً به این فکر نمی‌کردم که با خانواده شوهرم زندگی کنم و البته بعد از ازدواج هم همین‌گونه شد و ما از همان ابتدا زندگی مستقلی داشتیم.... همه دوستانم هم همین‌طور هستند، آن‌ها که مجرد هستند اصلاً به این مورد فکر نمی‌کنند که با خانواده شوهر زندگی کنند و آنها که متأهل هستند هم از همان ابتدا زندگی مستقل داشته‌اند (خانم ت. ب. ۳۳ ساله، متأهل، دانشجوی دهه ۸۰).

در ادامه باید گفت که اکثریت افراد مورد مصاحبه در دهه ۶۰ و تا حدودی اکثریت افراد مورد مصاحبه در دهه ۷۰ به امکان حضور والد یا والدین یکی از زوجین در خانواده اشاره کردند، اما اکثریت افرادی که در دهه ۸۰ دانشجوی بوده‌اند به «زندگی مستقل زن و شوهر» اشاره کردند.

از گفته بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها در دهه‌های مختلف می‌توان دریافت که الگوی «خانواده هسته‌ای»^۱ برای همه آنها به عنوان یک الگوی پذیرفته شده بود و بدون درنگ اولین ذهنیت‌شان از خانواده شامل مرد و زنی است که با فرزند یا فرزندان ازدواج‌نکرده‌شان زندگی می‌کنند. که در این الگوی اشاره شده از خانواده که می‌توان آن را در مقوله ساختار خانواده جای داد، والدین یکی از زوجین نیز ممکن است در این تعریف جایی داشته باشند و با آنها زندگی کنند که می‌توان از آن با عنوان «خانواده هسته‌ای با ملحقات»^۲ یاد کرد. این نوع خانواده به مرور از دهه ۶۰ تا دهه ۹۰ کم‌رنگ شده است. به دنبال نتایجی که در مورد طلاق عاطفی و در نهایت طلاق واقعی که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، شاهد شکل‌گیری خانواده‌های تک والد هم هستیم که تعداد این خانواده‌ها از دهه ۸۰ تا دهه ۹۰ رو به افزایش بوده است.

تحولات نظام خویشاوندی در خانواده ایرانی

این بخش از داده‌ها برگرفته از مقولات فرعی تعامل بین زن و شوهر، تعامل والدین و فرزندان، تعامل فرزندان با هم، تعامل با دوستان و همکاران و ارتباط با اقوام و خویشاوندان و دو مقوله اصلی ارتباطات خانواده و تعاملات خانواده است. نکته جالبی که در این مطالعه به آن رسیدیم آن است که بنا به تحلیل داده‌ها، وقتی خانواده بدون فرزند و خانواده تک‌فرزند در قالب خانواده هسته‌ای زن و شوهری که ساختار اصلی خانواده ایرانی شده است، شکل بگیرند علاوه بر مشکل بازتولید جامعه، بحث «از بین رفتن نظام خویشاوندی» در خانواده ایرانی را خواهیم داشت.

... من خودم دو بچه دارم، یک دختر و یک پسر و باوجود اینکه خودم و خانمم هر دو سرکار هستیم اما توان اقتصادی برای بچه سوم را نداریم ولی به شدت نگران این مشکل هستیم که در آینده نوه یا نوه‌های ما خاله و عمو ندارند و این به

-
1. nuclear family
 2. Nuclear family with accessories

نظر من یک مشکل بسیار بزرگ در بحث عواطف خویشاوندی است... ناگفته نماند فقط من نیستم که این مشکل را دارم بسیاری از اقوام، دوستان و همکاران همین‌گونه هستند... به نظرم در آینده‌ای نه چندان دور واژه‌هایی مانند خاله، دایی، عمو و عمه برای بچه‌ها تعریفی ندارند (آقای س.م، ۴۷ ساله، متأهل).

باید گفت که در این پژوهش بنا به تحلیل متن صحبت‌های همه مصاحبه‌شونده‌ها، تحول در ارزش مذهبی و ارزش اجتماعی فرزنددار شدن به نابودی نظام خویشاوندی به مرور زمان در خانواده ایرانی می‌انجامد که این تحول می‌تواند «انقطاع فرهنگی» در جامعه ایران را به دنبال داشته باشد.

در ادامه بحث از تحلیل یافته‌ها در مورد ساختار خانواده ایرانی و سیر تحول آن باید بگوییم باوجود اینکه مصاحبه‌شونده‌ها به افزایش آمار زوجین بدون فرزند اشاره کردند اما در تحلیل صحبت‌های‌شان دریافتیم که هنوز این نوع خانواده در ایران به عنوان «ساختار مسلط» شناخته نشده است اما بنا به تحلیل داده‌های بدست آمده تحول ارزش فرزنددار شدن برای زن و شوهر ایرانی منجر به شکل‌گیری نوعی دیگر از ساختار خانواده شده است که از آن می‌توان با عنوان ساختار خانواده تک‌فرزند یاد کرد. باید اشاره کرد که ساختار خانواده تک‌فرزند به مرور از سه دهه گذشته تاکنون به ساختار مسلط خانواده ایرانی تبدیل شده است. طبق آمار در حال حاضر حدود ۳۰ درصد از خانواده‌های ایرانی تک‌فرزند هستند (ایرنا، ۱۳۹۴) و این رقم در حال رشد فزاینده‌ای هم هست که علت آن را بنا به نظر مصاحبه‌شونده‌ها باید در مشکلات اقتصادی و شغلی زوجین دانست و همین‌طور ریشه این گسترش را باید در تحولات فرهنگی در جامعه و افزایش روحیه فردگرایی در بین زوجین در رسیدن به اهداف فردی‌شان دانست.

بنا به تحلیل داده‌های این پژوهش، در ادامه باید گفت که به وجود آمدن خانواده تک‌فرزند در دلش شکل‌گیری ساختار خانواده فرزندسالار با ارزش‌های خاص خودش را رقم زد؛ البته در کنار این عامل باید گفت که یکی از مهمترین تحولات ارزشی دیگر

در باب به وجود آمدن خانواده فرزندسالار، تحول در ارزش پدر و ارزش مرد در خانواده ایرانی نیز هست؛ به دنبال بسیاری از تحولات فرهنگی جامعه از جمله تحول در موقعیت اجتماعی زنان، مرد از جایگاه و ارزش گذشته‌اش پایین آمده است و در عوض به جرأت می‌توان گفت فرزند خانواده جای او را گرفته است.

.... پدرم در خانواده ما حرف اول را می‌زد اما الان فرزند من آنطور که باید از من حرف شنوی ندارد... در خانواده من و خواهر و برادرانم از پدرمان پول توجیبی می‌گرفتیم اما الان خانم من بنا به اینکه سرکار می‌رود و درآمد دارد، گاهی اوقات نیازهای مادی فرزندمان که بعضاً من با آن مخالف هستم را برطرف می‌کند... در واقع پدر به عنوان مرد خانواده از جایگاه قبلی‌اش کنده شده است و این مواردی که در مورد خانواده خودم برای شما گفتم در بین اطرافیان هم بسیار دیده می‌شود (آقای ع. ر. ۴۹ ساله، متأهل).

... چند وقت پیش قرار شد با خانواده خواهرم مسافرت برویم و تقریباً همه چیز مهیا شد اما چون خواهرزاده‌ام در کلاس فوق‌العاده‌ای در قالب اردو ثبت نام کرده بود، آمدن به مسافرت خانوادگی را کنسل کردند... ما که بچه بودیم اینطوری نبود و وقتی خانواده با ریاست پدرم تصمیمی می‌گرفت همه مکلف به اجرای آن بودیم... (خانم ش. ز. ۳۴ ساله، مجرد)

به این ترتیب شاید بتوان از «تحولات عاطفی» در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون صحبت کرد. چیزی که ما در این مطالعه آن را در قالب «تعاملات و ارتباطات خانواده»، به عنوان شاخه‌های «روابط شخصی» گنجانده‌ایم و در این قالب آن را مورد بررسی قرار دادیم. بنا به تحلیل صحبت‌های افراد مورد مصاحبه، روابط شخصی افراد در یک خانواده بر اساس تفاوت بین «ارتباط» و «تعامل» و با تأکید بر «صمیمیت و عاطفه»، در چهار رده زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

- تعاملات بین زن و شوهر
- تعاملات بین والدین و فرزندان
- تعاملات بین فرزندان با هم (تعامل خواهر و برادر)
- تعاملات خانواده با دوستان و همکاران

افزایش فردگرایی در خانواده

بر مبنای نتایج این پژوهش در خانواده ایرانی تعاملات خانوادگی اشخاص در بُعد تعاملات بین زن و شوهر، تعاملات بین والدین و فرزندان و تعاملات بین فرزندان با هم دچار تحولات اساسی شده‌اند که بنا به یافته‌های این پژوهش اگر آنها را از سه دهه گذشته تاکنون روی یک بردار قرار دهیم اشکال متفاوتی را در این خصوص خواهیم دید. اما بر مبنای نتایج این پژوهش یک مؤلفه مشترک در جریان این تحول به دست آمد و آن فردی شدن و افزایش روحیه فردگرایی در بین اعضای یک خانواده در تعاملات خانوادگی‌شان است.

در توضیح دلایل افزایش فردگرایی در تعاملات خانوادگی افراد به عنوان ابعادی از روابط شخصی آنان باید گفت بنا به اعتقاد اکثر مصاحبه‌شونده‌ها دو مؤلفه مهم و تأثیرگذار هستند: یکی مربوط به دنیای مجازی می‌شود و دیگری مربوط می‌شود به افزایش دغدغه‌های اقتصادی و شغلی اعضای یک خانواده و یا بهتر است بگوییم به عوض شدن سبک زندگی در خانواده‌ها مربوط می‌شود که به طور ناخودآگاه فردگرایی را ترویج می‌کند. ما در این مطالعه به این نتیجه رسیدیم که از سه دهه گذشته تاکنون خانواده در ایران شکل یک نقشه را به خود گرفته است که مرزها در آن مشخص هستند و هر یک از اعضا خانواده برای خود ایالتی جداگانه هستند اما کماکان در خانواده به سر می‌برند.

.... در خانواده من اکثر اوقات که با خواهر و برادرانم در خانه هستیم بسیار کم با هم صحبت می‌کنیم، همه در دنیای مجازی‌مان سیر می‌کنیم و یا در حال برنامه‌ریزی برای اهداف شخصی‌مان هستیم... دیالوگ بسیار کمی بین ما رد و بدل می‌شود... اگر هم با هم صحبت کنیم دیالوگ‌های بسیار کوتاه رد و بدل می‌شود... این نکته نه فقط در بین من و خواهر و برادرانم بلکه برای دوستان و اقوام‌مان هم همین‌طور است... (آقای م. ص. ۳۵، ساله، مجرد، دانشجوی دهه ۷۰ و ۸۰).

به این ترتیب بار دیگر به گفته گیدنز می‌رسیم که روابط و تعاملات نزدیک در یک خانواده دگرگون شده است و این دگرگونی همان‌طور که او و سایر اندیشمندان از جمله بک و بک اشاره کرده‌اند همراه با یک فردگرایی افراطی بوده است؛ این فردگرایی در هر جامعه‌ای به روش‌های مختلف ممکن است رخ نموده باشد و دلایل گوناگونی نیز ممکن است پشتوانه این فردگرایی باشد که در ایران تحول در سبک زندگی بنا به دگرگون شدن دغدغه‌ها و پیگیری اهداف فردی و همین‌طور بنا به افزایش استفاده از جایگزین‌های تعاملات حضوری و افزایش استفاده از دنیای مجازی، باعث شده است که در مجموع نوع تعاملات درونی خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون متحول شود و رو به سوی فردگرایی شدن داشته است.

کانال جدید در تعاملات خانواده ایرانی: تعامل با دوستان و همکاران

در بحث مطالعه تعاملات و روابط شخصی افراد در خانواده ایرانی و به دنبال سیر تحول آن باید گفت یک بُعد دیگر هم به آن اضافه شده است و آن بُعد تعامل با دوستان و همکاران است. در مطالعه حاضر این نتیجه برگرفته از مفاهیم حریم خانواده، جمع خانواده و مرزها در خانواده بوده است. بنا به یافته‌های پژوهش این بُعد سبب شده است تا به جرأت بتوانیم در خصوص «تحول پیکربندی» در خانواده ایرانی صحبت کنیم؛ به عبارتی دیگر، در گذشته روابط شخصی افراد در خانواده شامل تعامل با اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک بوده است و دوستان و همکاران در خارج از این دایره قرار داشتند؛ این به معنای نبود صمیمیت با دوستان و همکاران نبوده است بلکه به این معنا است که هر چند که صمیمیتی عمیق بین همکاران و دوستان وجود داشته است اما جایگاه خاص خودشان را داشته و در حریم تعاملات خانوادگی شخص ورود نمی‌کردند و به عبارتی بهتر مرزها مشخص بودند؛ به مرور که تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه در خانواده‌ها هم نمود یافتند از جمله تحول در موقعیت اجتماعی زنان، امکان برقراری تماس‌های مجازی و از این دست تحولات، همکاران و دوستان هم

جایگاه‌شان متحول شده است و وارد روابط خانوادگی اشخاص شده‌اند و به نوعی بنا به یافته‌های این پژوهش طبقه‌بندی تعاملات و روابط خانوادگی با توجه به خویشاوندان و روابط با آنها دچار تزلزل شده است و دیگر در مورد خانواده‌ها و روابط خانوادگی به عنوان بعدی از روابط شخصی افراد به مانند گذشته نمی‌توان به درستی جایگاه یک دوست و یک قوم و خویش را مشخص کرد و این تحولی اساسی است که از سه دهه گذشته تاکنون در درون خانواده ایرانی رخ داده است. این تحول جایگاه تعامل با دوستان و همکاران به حدی است که می‌توان گفت پیکربندی خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون متحول شده است و کسانی غیرخویشاوند هم برای اعضا خانواده به عنوان خویشاوند و حتی به عنوان عضو صمیمی مانند سایر اعضا خانواده محسوب می‌شوند. ... امروزه دوستان و همکاران به نسبت گذشته وارد زندگی خانوادگی ما شده‌اند و ما در مراسمات خاصی که شاید در گذشته دوستان دعوت نمی‌شده‌اند، آن‌ها را به راحتی دعوت می‌کنیم و برخی از آنها برای ما جایگاه خویشاوند دارند (خانم گ. ر. ۳۳ ساله، مجرد).

... امروزه دوستان و همکاران را در رده‌ای قرار می‌دهیم که نزدیک به خویشاوندان ما در گذشته هستند و مسائلی را با آنها در میان می‌گذاریم که در گذشته با خویشاوندان خود در میان می‌گذاشتیم... و حتی ممکن است که ما برای تصمیم‌گیری در خصوص‌ترین مسائل زندگی با دوستان نزدیکمان مشورت کنیم... (آقای خ. ع. ۳۱ ساله، متأهل).

... امروز دوستان و همکاران به طور مجازی و غیر مجازی وارد عرصه زندگی ما شده‌اند و ما هم اغلب آنها را جزئی از زندگی شخصی مان تلقی می‌کنیم، مثلاً ممکن است تاریخ تولد عموی مان را ندانیم اما یقیناً تاریخ تولد دوستان را می‌دانیم و حتی ممکن است بهترین کادو را هم برای دوست و یا همکارمان تهیه کنیم... (خانم الف. ع. ۳۰ ساله، مجرد).

به این ترتیب با ورود دوستان و همکاران به حریم خانواده، در تعریف خانواده باید به وجود غیرخویشاوندان هم اشاره کرد؛ این در حالی است که در گذشته برای هر

فردی خانواده مجموعه‌ای از افرادی بود که یا بین‌شان روابط سببی برقرار بود یا روابط نسبی؛ یعنی بین اعضا خانواده یا رابطه بر اساس ازدواج شکل گرفته بود یا بر اساس نسبت خونی با هم در ارتباط بودند و یک خانواده را شکل می‌دادند و روابط صمیمی خاصی بین‌شان برقرار بود؛ اما به مرور زمان دوستان و همکاران که در هیچ کدام از این دو دسته رابطه نیستند بنا به دلایلی از جمله کم شدن روابط با خویشاوندان نزدیک متأثر از شرایط زندگی فردی، به حریم روابط شخصی و خانوادگی افراد در خانواده ایرانی وارد شده‌اند و تبعات خاص خود را نیز به همراه داشته‌اند که بنا به نظر برخی از مصاحبه‌شونده‌ها شاید علت اصلی برخی مشکلات حاد خانواده به این ورود نابجا مربوط باشد (رحیمی و رضایی، ۱۳۹۶: ۷۲).

ارتباط با خویشاوندان و تحولات آن

این بُعد از خانواده هم در جریان تغییرات خانواده از سه دهه گذشته تاکنون در ایران تحول یافته است که این تحول به نوبه خود در تعریف خانواده و ذهنیت از مفهوم خانواده اثرگذار بوده است. باید گفت که به دنبال تحولات مختلف دنیای مدرنیته ارتباطات ما با خویشاوندان مان هم کم شده است و می‌توان گفت در دوران کنونی «کمیت ارتباطات» با خویشاوندان در قالب ارتباطات مجازی با خویشاوندان شاید بیشتر شده اما واقعیت آن است که «کیفیت این ارتباطات» بسیار پایین آمده است و از «صمیمیت و عاطفه عمیق» که در دوران گذشته بین خانواده و خویشاوندان وجود داشت، دیگر خبری نیست.

... زمانی که ما بچه بودیم برای دیدن عمه و خاله‌هایمان آخر هفته یا به خانه آنها می‌رفتیم یا در خانه پدری‌بزرگ همه جمع می‌شدیم... الان فرزند من مانند من نمی‌تواند عمه‌اش را ببیند چرا که دغدغه شغلی ما این اجازه را به ما نمی‌دهد و بعد هم بُعد مسافت و دور بودن ما به لحاظ مکانی است... اما در شبکه‌های اجتماعی جویای حال هم هستیم (آقای الف. الف. ۳۷ ساله، متأهل).

امروزه دغدغه‌های شغلی و اقتصادی باعث شده‌اند تا خانواده‌ها فرصت کمتری را به ارتباط با خویشاوندان اختصاص دهند. در دنیای امروزه فردگرایی به شدت بر ارتباطات خویشاوندی حاکم است و منظور آن است که اعضاء یک خانواده بیشتر به دنبال اهداف فردی‌شان در زمینه‌های تحصیلی، شغلی و... هستند و به تبع آن عملاً فرصتی برای برقراری ارتباط با قوم و خویش ندارند.

جدول ۱- مقوله‌های فرعی و مقوله اصلی برای سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰

مقولات اصلی	مقولات فرعی
تعریف اولیه خانواده	اعضای خانواده، فضای خانواده، اهداف خانواده
ساختار خانواده	خانواده هسته‌ای، خانواده هسته‌ای با ملحقات، خانواده بدون فرزند، خانواده تک‌والد، خانواده تک‌فرزند
بلوغ جنسی و اقتصادی	شرایط ازدواج، بلوغ جنسی
سنت‌ها و ارزش‌ها	رابطه با جنس مخالف، روش‌های رفع نیازهای جنسی
تعاملات خانواده	تعامل بین زن و شوهر، تعامل والدین و فرزندان، تعامل فرزندان با هم، تعامل با دوستان و همکاران
ارتباطات خانواده	ارتباط با اقوام و خویشاوندان

نتیجه‌گیری

در تحلیل نهایی یافته‌های این پژوهش باید گفت که در ذهن افراد «پوسته‌ای از خانواده» و مفهوم آن باقی مانده است که از درون تهی شده است و شاید بتوان گفت که ویژگی‌های مورد نظر شخص در مورد خصایص خانواده تا حدودی در برخی از ابعاد کمرنگ شده‌اند، خصایصی که در ذهنش حکایت از فضای احترام و همدلی، با هم بودن، تعهد و وفاداری و ویژگی‌هایی از این دست دارند. شاید بهتر است بگوییم که با شنیدن مفهوم خانواده، فرد همه این تحولات خانواده در ذهنش تداعی می‌شوند و آنها را در تضاد با تیپ ایده‌آل خانواده می‌بیند که بنا به اعتقاد دانشجویان دهه ۶۰ و حتی ۷۰

روزی واقعیت بود و اکنون به مدلی آرمانی تبدیل شده است. گفتنی است که در مقایسه دهه ۷۰ با دهه پیش از آن هم تفاوت‌هایی وجود داشت از جمله تعادل بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی در اثر تحولات مختلف جامعه آن زمان به هم خورده است و یا در دهه ۷۰ بچه‌دار شدن به یکی از اهداف تشکیل خانواده تبدیل شده بود در حالی که در دهه قبل از آن می‌توان گفت این هدف یک هدف اصلی محسوب می‌شد. در حقیقت در دهه ۷۰ شاهد ورود و تأثیر ارزش‌های مدرنیته به نهاد خانواده در تمام ابعاد هستیم. با وجود این هنوز شکاف قابل درکی بین ایده‌ال ذهنی از خانواده و تحقق واقعی آن شکل نگرفته بود.

شاید این نتیجه همان‌گونه که تنهایی و شکر بیگی (۱۳۸۷) نیز به آن رسیده‌اند ناشی از مدرن شدن دنیا باشد. آن‌ها معتقدند که تحولات خانواده ناشی از گرایش به نوگرایی و تجدد می‌باشد. نکته جالب توجه در اکثر تحولات خانواده ناشی از مدرنیته بنا به مطالعه شکوری و آزاد ارمکی (۱۳۸۱) هم آن است که هر چند تحولات در همه جوامع یکسان نیست ولی به علت روند رو به گسترش ارتباطات جهانی، وسایل ارتباط جمعی، جهانی شدن و گرایش به یکسان‌سازی در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و روند مشابه تحولات با منابع تغییرات بالنسبه مشابه، به نظر می‌رسد که دگرگونی‌های مشابهی با شدت و ضعف‌های مختلف در بسیاری از جوامع وجود داشته باشد.

به این ترتیب ما در این پژوهش دریافتیم که مفهوم خانواده در ذهن دانشجوی ایرانی فقط ذهنیت شده و عینیت‌ها چیزهای مخالف با آن ذهنیت هستند و اکنون فقط به یک «پوسته از خانواده» رسیده‌اند. اگر بخواهیم ساده‌تر صحبت کنیم باید بگوییم که منظور آن است که بنا به اعتقادات مذهبی که شکل‌دهنده ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در کشور ایران هستند، هنوز بایدها و نبایدهایی در خصوص چگونگی کارکردها و ساختار خانواده در ذهن افراد وجود دارد، در حالی که تغییرات فرهنگی و اجتماعی و حتی تغییرات سیاسی و اقتصادی از سه دهه گذشته تاکنون در خانواده ایرانی تحولاتی ایجاد کرده‌اند که باعث شده‌اند مصادیق این بایدها و نبایدها در جامعه

کمرنگ و حتی از بین برود. این یافته در راستای نتایج پژوهش محمد مهدی لیبی (۱۳۹۲) است. وی معتقد است که خانواده ایرانی با گذشت زمان از نظر ساختار و روابط درونی خانواده و حتی معنا و مفهومی که در این نوع روابط حاکم بوده با تحولات گسترده‌ای رو به رو بوده است و نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی ارزش‌های خانوادگی در برخی از زمینه‌ها با تحولاتی روبرو بوده است.

بنابر یافته‌ها دریافتیم که افراد مدام در حال مقایسه خانواده ایرانی بر اساس ذهنیت حاصل از بایدها و نبایدهای گفته شده هستند اما خانواده متحول شده موجود دوران خود را خالی از آنها می‌بینند و در اولین فرصت یاد آنچه در این تحولات از خانواده رخت بر بسته است می‌افتند و شاید بتوان گفت که خانواده تهی شده بر اثر تحولات را به ناچار می‌پذیرند. به این ترتیب شاید بتوان این گونه گفت که: باید دانست که عینیت و ذهنیت مفهوم خانواده در دهه ۶۰ و ۷۰ با هم منطبق بودند، به عبارتی دیگر بایدها و نبایدها در ذهن افراد در مورد خانواده مصداق بیرونی داشت و به مرور که تحولات جامعه در ابعاد مختلف آغاز شدند و خانواده ایرانی را تحت تأثیر خود قرار دادند، به آرامی آنچه در ذهنیت افراد مصداق بیرونی داشتند، کمرنگ شدند و حتی برخی مصادیق از بین رفتند و به این ترتیب از سه دهه گذشته تاکنون، در ذهن هر فرد دو شاخه تصور از خانواده وجود دارد که یکی مربوط به ذهنیت‌هایی است که از بین رفته‌اند و دیگری مربوط می‌شود به آنچه که بدون این ذهنیت‌ها از خانواده در جامعه شکل گرفته است و نمود عینی دارد که در این مورد شاید بتوان گفت که مفهوم ذهنی خانواده در ذهنیت دانشجوی ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون با مفهوم عینی آن تفاوت دارد.

ما دریافتیم که تعریف از مفهوم خانواده برای دانشجوی ایرانی شامل مواردی است که در قالب «درون» و «بیرون» خانواده قابل تقسیم‌بندی است. ما به «فرایندی چرخه‌ای» در پژوهش خود رسیدیم که علت و معلول جایی خاص در آن ندارند، گاهی یک عامل و یا بهتر است بگوییم یک تغییر نقش علت را داشت و گاهی نقش معلول و همین چرخه هم باعث تحولاتی در چگونگی نقش بستن مفهوم خانواده در ذهن دانشجوی

ایرانی است. شاید بتوان گفت در دهه ۶۰ و تا حدودی دهه ۷۰ دانشجویان یک رابطه صرف علت و معلولی را بین عوامل درونی و بیرونی خانواده می‌دیدند که همین هم باعث انطباق پنداشته‌های ذهن با واقعیات عینی خانواده می‌شد. در حالی که بنا به یافته‌ها از دهه ۷۰ به این سو با توجه به تحولات مختلف جامعه، تغییر جایگاه یک عامل، گاهی در نقش تاثیرگذار و گاهی در نقش تأثیرپذیر، خود باعث تحول اساسی از ذهنیت درباره مفهوم خانواده در ذهن دانشجوی ایرانی شده است.

یکی از مهمترین مواردی که جای بررسی بیشتر آن برای مطالعات آتی حس می‌شود، بحث تعاملات و ارتباطات خانوادگی است. در این خصوص کمیت تعاملات و ارتباطات خانوادگی پررنگ شده و از سه دهه گذشته تاکنون و به مدد فضای مجازی کیفیت این تعاملات خانوادگی هر روز کمرنگ‌تر شده است. این تغییرات در مطالعه خانواده در کار قنبری‌پناه و همکارانش (۲۰۱۳) هم نشان داده شده‌اند. این پژوهشگران بر تعاملات بین اعضای خانواده به عنوان یک سیستم تأکید داشتند (نقش‌ها، ساختارها، تعاملات، الگوها، روابط قدرت و مرزها در خانواده). در پایان بحث و بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که خانواده ایرانی زوال نیافته بلکه مفهوم آن تغییر یافته است.

پیشنهادها

در مورد نتایج این پژوهش که در ابعاد چهارگانه «ذهنیت»، «عینیت»، «کمیت» و «کیفیت» قابل تقسیم‌بندی هستند، می‌توان پیشنهاد داد تا محققان در این حوزه‌ها وارد شوند و مطالعات کاربردی در این زمینه‌ها به انجام رسانند. شاید با این تلاش‌ها بتوان جلوی انتشار این گفته را گرفت که: «خانواده ایرانی زوال یافته است».

ما در این پژوهش سعی داریم پیشنهادهایی داشته باشیم که دست‌کم در حوزه خانواده امکان تحقق داشته باشند. به عبارتی ساده‌تر آنچه به عنوان پیشنهاد پژوهش در این مطالعه مدنظر است به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ در بخش اول و مهم‌تر خانواده‌ها قرار دارند و بخش دوم هم به مسئولین برمی‌گردد. منظور از بخش اول آن است که

خانواده‌ها باید ترمیم از دست‌رفته‌های خانواده را از خود شروع کنند. پیشنهاد ما این است که خانواده ایرانی باید پذیرای تغییرات ایجاد شده در خانواده باشد و مدام حسرت ایام گذشته خانواده بویژه در سه دهه گذشته را نخورند. انعطافی لازم است تا والدین و فرزندان و در کل خانواده‌ها در خود ایجاد کنند تا بتوانند خانواده‌ای را بازتولید کنند که بقای جامعه را هم تضمین کند. در حقیقت پیشنهاد ما وفق دادن هر چیزی با شرایط فرهنگی و اجتماعی زندگی شخصی و اجتماعی خود است.

بنابراین در گام اول این خود خانواده‌ها هستند که در همه مسائل خانواده می‌توانند نگاه‌شان را تغییر دهند و از کمرنگ شدن یا از بین رفتن برخی موارد از جمله احساسات و عواطف جلوگیری کنند. به محققان حوزه جامعه‌شناسی هم پیشنهاد می‌کنیم که به بحث بررسی و مطالعه سرمایه اجتماعی خانواده به عنوان یک موضوع مهم نگاه کنند و آن را در مطالعات خود پوشش دهند، چرا که امروزه با توجه به ارتباط‌های عاطفی در خانواده و منزلت آن، از «خانواده درمانی»^۱ به عنوان روشی برای حل برخی از مسائل اساسی، سخن به میان می‌آید.

در گام بعد و در برخی مسائل دیگر نوبت به دولت و حکومت می‌رسد که با برنامه‌ریزی صحیح جاده خانواده‌ها در به انجام رسانی نگاه تازه در خانواده بر مبنای تغییرات جدید در جامعه را هموار کنند. مثلاً رسانه باید خانواده‌مداری را با پذیرش تغییرات ایجاد شده بدون بازگشت به سنت ترویج کند. ما بر استفاده از قالب‌های غیرسیاسی و زبان غیرمستقیم تأکید زیادی داریم. دولت باید نقش سیاست‌گذار و هدایت‌گر داشته باشد تا نقش مداخله‌گر. مثلاً افزایش سیاست‌های مثبت در جهت افزایش امنیت اقتصادی یکی از کارکردهای مثبت دولت تصور می‌شود. واضح‌تر بگوییم، رفع بیکاری و برطرف کردن مسائل اقتصادی از اهم مواردی است که در این مطالعه هم مانند سایر مطالعات انجام گرفته در حوزه خانواده در ایران، به آن رسیدیم.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- امین‌زاده، دانا محمد؛ کاظمیان، سمیه و اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۶)، تعادل عاطفی و الگوی ارتباطی در خانواده: مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین خانواده‌های با و بدون فرزند کم توان، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۵، شماره ۲.
- راد، فیروز و ثوابی، حمیده. (۱۳۹۴)، بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۱۵ ساله ساکن شهر تبریز). *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۳، شماره ۱.
- رحیمی، ماریا و رضایی، محمد. (۱۳۹۶)، مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۵، شماره ۱.
- ریبنز مکارتی، جین و ادواردز، روزالیند. (۱۳۹۰)، *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه: محمدمهدی لیبی، تهران: نشر علم.
- زمانیان، علی. (۱۳۸۷)، *تحولات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش تولید علم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۳)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه: محمدرضا جلالی‌پور، تهران: نشر طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷)، *جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- لیبی، محمدمهدی. (۱۳۹۲)، نگرشی نوین به تحول ارزشهای خانوادگی در ایران، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم.
- چیل، دیوید. (۱۳۸۸)، *خانواده‌ها در دنیای امروز (رهیافت تطبیقی، مقایسه‌ای)*، ترجمه: محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.

- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal and McDonald, Peter. (2008). *Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State*. Taylor & Francis Group, LLC.
- Cheal, David. (1993). Unity and difference in postmodern families. *Journal of family Issues*.

- Charles, Nickie., Charlotte Aull Davies. and Chris Harris. (2008). *Families in Transition Social change, family formation and kin relationships*. This edition published in Great Britain by The Policy Press University of Bristol Fourth Floor Beacon House Queen's Road Bristol BS8 1QU UK.
- Farrell. Betty., Alicia VandeVusse and Abigail Ocobock. (2014). *Family change and the state of family sociology*. University of Chicago, USA. csi.sagepub.com
- Georgas, James. (2003). *Family: Variations and Changes Across Cultures*. Online Readings in Psychology and Culture, Produced by The Berkeley Electronic Press, 2011.
- Gillies, Val. (2003). Family and Intimate Relationships: A Review of the Sociological Research. *Families & Social Capital ESRC Research Group*. Published by South Bank University.
- Ghanbaripannah, Afsaneh., Mohamed Sharif Mustaffa and Roslee Ahmad. (2013). Structural Analysis of Family Dynamics Across Family Life Cycle in Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 84 (2013) 486 – 490.
- James. Allison, and Penny Curtis. (2010). *Family Displays and Personal Lives*. BSA Publications Ltd. Volume 44(6): 1163–1180
- McKie, Linda, and Sarah Cunningham-Burley. (2005). *Families in Society*. Boundaries and relationships, Consultant Editor: Jo Campling.
- Schlesinger, Ben. (1998). *Contemporary Family Trends, Strengths in Families: Accentuating the Positive*. The Vanier Institute of the Family.
- Scabini. Eugenia., Elena Marta and Margherita Lanz. (2007). *The Transition to Adulthood and Family Relations*. Hove and New York.
- Wall, Karin and Rita Gouveia. (2014). Changing meanings of family in personal relationships. *Current Sociology*, Vol. 62(3) 352–373.
- Wyn. Johanna., Sarah Lantz and Anita Harris. (2012). Beyond the 'transitions' metaphor: Family relations and young people in late modernity. *The Australian Sociological Association*, Volume 48(1): 3–22.